تعین عدد پی در بیرون از ذهن

سؤال دوم؛ حال اگر بشر خلق نشده بود، محیط دایره سه برابر قطرش بود یا نبود؟ اگر بشر نبود این چهار در سه و چهارده صدم، پنج بود؟! نه، همان چهار بود. این سؤال دومی است که طبیعی چهار را از کل بشر استقلال میدهد. در اینجا خیلی کار شده است. ببینید در یک سؤال، طبیعی را از افراد خودش استقلال بدهیم، و در سؤال بعدی طبیعی را از کل بشر استقلال بدهیم. اگر کل بشر نبود، این بود. با این دو سؤال ساده این را عرض میکنم:

الآن که هفتاد تریلیون رقم پی هست، سؤال این است: ارقام این عدد تا بینهایت هست یا نیست؟ میگوییم همه بشر قبول دارند که هست. خُب رقم بعد از این هفتاد تریلیون که ماشینها هنوز آن را کشف نکردهاند، معین است یا نامعین است؟

شاگرد: معین است.

استاد: کل بشر چه جوابی میدهند؟ معین است یا نامعین است؟ معین است. دارند بهدنبال آن میروند تا آن را پیدا کنند. اگر معین است، هنوز که بشر به آن نرسیده، اعداد هم که تا بینهایت هستند، موطن این تعین کجا است؟ ما نبودیم هم معین بود. نمیگوییم موجود هست یا نیست. به دکارت اشکال گرفتند که گفتی من فکر میکنم پس هستم، سراغ یک خروجی فلسفی رفتی. من نمیگوییم هست یا نیست. گفتم تعین دارد یا ندارد؟ عدد بعدی معین است یا نیست؟ اگر معین است، موطن این تعین کجا است؟ این بینهایت رقم معین هستند یا نه؟ هیچ دستگاه مادی، هیچ دستگاهی فیزیکی، هیچ عالم وسیع نمیتواند موطن و بستر قرار بگیرد برای این بینهایت رقمی که اگر بشر و عالَم هم نبود، ثابت هستند. پس ما از نفس تعین بینهایت رقمهایی که همه بشر در درک و تصدیق آن شریک هستند، داریم نشان میدهیم که این بینهایت هست؛ اگر ما هم نبودیم هستند، اگر باشیم هم هستند. و متعین هم هستند. اگر به آن برسیم، هفتاد تریلیون، میشود هفتصد تریلیون، معلوم بودند. نشد هم نشد. لذا عدهای اشتباه کردهاند؛ اشتباه کردن به این معنا است که معین بوده، اما غیاث الدین مثلاً در رقم پانزدهم اشتباه کرد. این حاصل عرض من است. اگر در نقد این عرض من یا پیشبرد آن، مثالهایی لطیفتر دارید، بفرمایید. مقصود من این است که بشر در این خصوصیات عدد پی متفق هستند. ما میتوانیم از آن استفاده کنیم و به بشر، عالم متافیزیک و عالم مجرد را نشان دهیم که اصلا وراء ذهن ما، هوش ما، درک ما و عالم ماده ما است. این تعین کافی است. همان حرفی که جلسه قبل از گودل عرض کردم. گفت چشمِ ریاضیبینِ ما چیزهایی را میبیند که با چشمی که جسم فیزیکی را میبیند فرقی ندارد. الآن من دارم این کتاب را میبینم. الآن هم چشم تکتک ما دارد میبیند؛ سه و چهارده صدم؛ بعدش یک است؛ داریم جلو میرویم. چشم ذهن ما دارد طبیعی ارقام –نه افراد آن- را تا بینهایت میبیند و تعینش را باور دارد ولو الآن به آن نرسیده. این دستاورد کمی نیست که ما از آن استفاده کنیم تا بعداً لوازم آن را عرض میکنم که اساساً ماتریالیسم بهعنوان اصالة المادة برعکس است. اتفاقاً اصل با چیزهایی است که پشتوانه این است؛ آن چیزی که ظهور عالم علم الهی است.

بازبینی #3
ایجاد شده 27 مارس 2024 20:45:20 توسط ... .
به روزرسانی شده 5 فوریه 2025 16:11:37 توسط ... .